



Analytical Comparison of Male and Female Characters in Two Novels of the 40s and Two Novels of the 70s based on the Sociology of Language Masoumeh Ghorbani Verklai^{1*} | Masoud

Rouhani² | Morteza Mohseni³ | Gholamreza Pirouz⁴

1. Corresponding Author, Ph.D. student of Persian Faculty of Literature, Faculty of Literature, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Email: parniangh1396@gmail.com
2. Professor, Faculty of Persian Literature, Faculty of Literature, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Email: ruhani46@yahoo.com
3. Associate Professor, Department of Persian Literature, Faculty of Literature, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Email: mohseni45@yahoo.com
4. Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Email: piruz_40@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 16/06/2021

Received in revised form:
04/10/2021

Accepted: 12/10/2021

Keywords:

Language,

Gender,

Social linguistics,

Contemporary Novel,

Sociology of language.

ABSTRACT

Gender is one of the most important topics in the sociology of language. Many linguists and sociologists do not believe that there are differences between the speech of women and men. One of the literary categories that receives the most influence from the linguistic elements of gender is fiction literature. In this research, the linguistic differences of the male and female characters, in the novels of Shovhar Ahookhonum and Soushon (1940s) and Nimeh Ghayeb in Bammad Khomar (1970s) are considered by the following elements: color words, swear words, intensifiers, modifiers, proverbs, polite language, supplementary questions, unfinished sentences, and apologies. The novels of different eras were selected, in addition to the analysis of linguistic differences, the speech type of the characters in different genres will be compared. In order to answer the question, "Can you find a difference in the language of sexuality in the novels of the 1940s compared to the novels of the 70s?" First, the components were extracted from the novels, then they were analyzed by taking statistics and frequency and drawing a table. The findings of the research show that there are similarities between the gender of novels of one decade and differences between novels of twenty. The two basic differences in the novels used are swear words.

Cite this article: Ghorbani Verklai, M., Rouhani, M., Mohseni, M. & Pirouz, Gh. (2022). Analytical Comparison of Male and Female Characters in Two Novels of the 40s and Two Novels of the 70s based on the Sociology of Language. *Research Journal in Narrative Literature*, 11(4), 133-162.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/rp.2021.6398.1333



مقایسه تحلیلی شخصیت‌های مرد و زن در دو رمان دهه ۴۰ و دو رمان دهه ۷۰ بر مبنای جامعه‌شناسی زبان

معصومه قربانی ورکلایی^{۱*} | مسعود روحانی^۲ | مرتضی محسنی^۳ | غلامرضا پیروز^۴

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکترا زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

رایانامه: parniangh1396@gmail.com

۲. استاد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: ruhani46@yahoo.com

۳. دانشیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: mohseni45@yahoo.com

۴. استاد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: piruz_40@yahoo.com

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: زبان جنسیت یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی زبان است. بسیاری از زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان بر این باورند که میان گفتار زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد. یکی از مقوله‌های ادبی که بیشترین

تأثیرپذیری را از عناصر زبان و جنسیت دریافت می‌کند، ادبیات داستانی است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶ در پژوهش حاضر تفاوت‌های زبانی شخصیت‌های مرد و زن، در رمان‌های شوهر آهو خانم و سووشون

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲ (دهه ۴۰) و نیمه غایب و بامداد خمار (دهه ۷۰) با در نظر گرفتن مؤلفه‌های: رنگ واژه، دشواژه،

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰ سوگندواژه، تشدیدکننده، تعدیل‌کننده، ضرب‌المثل، زبان مؤذبان، پرسش‌های ضمیمه‌ای، جملات ناتمام

و عذرخواهی‌ها بررسی شده است. رمان‌ها از دهه‌های متفاوت انتخاب شده، تا علاوه بر تحلیل تفاوت‌های

زبانی، به مقایسه نوع گفتار شخصیت‌ها در دو دهه متفاوت پرداخته شود. تا بتوان به این پرسش پاسخ داد

که «آیا می‌توان تفاوتی در زبان جنسیت در رمان‌های دهه ۴۰ نسبت به رمان‌های دهه ۷۰ پیدا کرد؟»

پژوهش به‌صورت آماری و تحلیلی صورت گرفته است. ابتدا مؤلفه‌ها از رمان‌ها استخراج شده، سپس با

گرفتن آمار و بسامد و با رسم نمودار و جدول به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شباهت‌هایی بین زبان جنسیت رمان‌های یک دهه و تفاوت‌هایی

بین رمان‌های دو دهه دیده می‌شود. دو تفاوت اساسی در رمان‌های دو دهه در به‌کار بردن دشواژه‌ها و

سوگندواژه‌هاست.

واژه‌های کلیدی:

زبان،

جنسیت،

زبان‌شناسی اجتماعی،

رمان معاصر،

جامعه‌شناسی زبان.

استناد: قربانی ورکلایی، معصومه؛ روحانی، مسعود؛ محسنی، مرتضی و پیروز، غلامرضا (۱۴۰۱). مقایسه تحلیلی شخصیت‌های مرد و

زن در دو رمان دهه ۴۰ و دو رمان دهه ۷۰ بر مبنای جامعه‌شناسی زبان. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۱(۴)، ۱۳۳-۱۶۲.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/rp.2021.6398.1333

۱. پیشگفتار

زبان یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است و به کارگیری آن یکی از ویژگی‌های انسان اجتماعی به‌شمار می‌آید. زبان در متن زندگی گروهی و روابط اجتماعی، به واسطهٔ نیاز انسان‌ها به ارتباط، پدید آمده، در یک روند تحولی طولانی چند صد هزار ساله اشکال گوناگونی به خود گرفته است.

انسان، زبان را تنها برای انتقال افکار و احساساتش به مخاطب به کار نمی‌برد، بلکه به گونه‌ای از آن استفاده می‌کند تا بتواند ارتباطش با دیگران را به‌خوبی توصیف کند و به خود هویت ببخشد. زبان و اجتماع تأثیر متقابل دارند. بنابراین، همیشه ناظر تفاوت‌ها و اختلافات درونی یک جامعه زبانی هستیم. شاخص‌هایی چون جنسیت، سن، تحصیل، طبقه و پایگاه اجتماعی؛ تعیین‌کننده نوع کاربرد زبان در جامعه است (فیزالد، ۱۹۹۰: ۸۹). در طول تاریخ، با آنکه زنان نیمی از جامعهٔ انسانی را تشکیل می‌دهند، گاه با نگاه منفی مردان روبه‌رو هستند و در بیشتر جوامع از حقوق انسانی خود محروم مانده‌اند. با گذشت زمان، زنان به موقعیت ناعادلانه خود در اجتماع پی برده‌اند و در صدد بهبود وضعیت خود برآمده‌اند. شرایط ناعادلانهٔ جامعه، ناخودآگاه یا آگاهانه روی زبان تأثیر می‌گذارد. بیشتر محققان رشته‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و منتقدان فمینیست پژوهش‌هایی در زمینهٔ زبان معیار انجام داده‌اند که نشان می‌دهد میان زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد.

پیشینهٔ تحقیقات در این زمینه به اوایل دههٔ هفتاد میلادی برمی‌گردد. سایپر (۱۹۲۹)، لباو (۱۹۷۲)، لیکاف (۱۹۷۳)، برند (۱۹۷۵)، دوبوو، کراچ (۱۹۷۵)، ترادگیل (۱۹۸۳)، بارون (۱۹۸۶)، کامرون (۱۹۸۹) و... از جمله پژوهشگران جهانی در این باره هستند.

در سال‌های اخیر در کشور ما هم به زبان جنسیت توجه شده است و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی در این زمینه نوشته شده است.

در پژوهش حاضر، زبان گفتاری بین شخصیت‌های زن و مرد تحلیل شده، رمان‌ها از دو دههٔ متفاوت انتخاب شده‌اند تا علاوه بر تحلیل زبان جنسیت، بین دو دهه مقایسه‌ای هم انجام شود که تا به حال به آن پرداخته نشده است. در پژوهش‌های پیشین، بیشتر به نویسندگی زنان توجه شده و در برخی مقالات، نویسندگی زنان و مردان را در رمان‌ها مقایسه کرده‌اند که عبارت‌اند از: مقالهٔ عاصفی کیا (۱۳۸۳) «نقش جنسیت در ترجمه»؛ آقا گل‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) «شناسایی و توصیف گفتارهای

قالبی شده زبان فارسی بر پایه نقش عوامل جامعه‌شناختی زبان؛ قربانپور و ویشکایی (۱۳۹۵) «بررسی ویژگی‌های نوشتار زنانه در دو رمان *بامداد خمار* و *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*؛ مندی‌پور (۱۳۹۳) «بررسی جنسیت مدار کارگفت‌های ترغیبی؛ عظیمی و صادقی (۱۳۹۳) «بررسی مسائل مشترک زن در دو داستان *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* زویا پیرزاد و *پرنده من فریبا وفی*؛ محمودی بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲) «بررسی رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی» و...

۱-۱. محدوده پژوهش

در مقاله حاضر به بررسی تفاوت‌های زبانی میان مردان و زنان در رمان‌های شوهر آهوخانم از علی محمد افغانی و سووشون از سیمین دانشور (دهه ۴۰) و نیمه غایب از حسین سناپور و *بامداد خمار* از فتنه سیدجواد (دهه ۷۰) پرداخته شده است. رمان‌ها از دو دهه متفاوت انتخاب شده تا علاوه بر تحلیل تفاوت‌های زبانی شخصیت‌های مرد و زن، از لحاظ زمانی هم مقایسه‌ای شود.

نام رمان	نام نویسنده	جنسیت نویسنده	سال انتشار	تعداد صفحات
شوهر آهوخانم	علی محمد افغانی	مرد	۱۳۴۰	۸۱۱
سووشون	سیمین دانشور	زن	۱۳۴۸	۳۰۴
نیمه غایب	حسین سناپور	مرد	۱۳۷۸	۳۲۴
بامداد خمار	فتانه سیدجواد	زن	۱۳۷۷	۴۳۹

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

در گفتار زنان و مردان رمان‌های یادشده، تفاوت دیده می‌شود؟
چه تفاوت‌هایی در زبان جنسیت، بین رمان‌های دهه ۴۰، نسبت به رمان‌های دهه ۷۰ وجود دارد؟

۱-۳. شیوه پژوهش

روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. نخست، کتاب‌های جامعه‌شناسی زبان از رشته‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی و نظرات صاحب‌نظران در زمینه جامعه‌شناسی زبان جنسیت به‌خوبی مطالعه و مؤلفه‌های نظری از آن استخراج شد سپس بین رمان‌های منتخب بررسی و تحلیل مقایسه انجام گرفت.

۲. مبانی نظری

از دیدگاه زبان‌شناسی پرداختن به تأثیر متغیر جنسیت بر زبان، ضروری است؛ زیرا زبان‌شناس را قادر به

توصیف دقیق‌تر زبان می‌کند. از دیگر سو پژوهش در این موضوع از دیدگاه جامعه‌شناسی ضرورت می‌یابد؛ چرا که راهی برای آگاهی از جایگاه جنسیت‌ها در جوامع و تأثیر متقابل آن‌ها در شکل‌گیری ارتباط است.

خصلت اجتماعی زبان آن را با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی - فرهنگی پیوند می‌دهد و این همبستگی یا پیوستگی به حدی است که برخی زبان را آینه‌ای دانسته‌اند که پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی جامعه را در خود منعکس می‌سازد.

تضاد موجب تحوّل بنیادی و یا دگرگونی‌های جزئی در نظام‌های اجتماعی می‌گردد. زبان نیز یکی از حیطه‌های تضاد است؛ زیرا گروه‌های اجتماعی می‌کوشند با کنترل زبان، اعمال قدرت کنند و در این تضاد، کنترل زبانی، پاداشی برای گروه‌های فرادستی است که زبان را تحت کنترل خود می‌گیرند. کنترل زبانی مورد توجه فرکلاف در «زبان جنسیت‌زده» نمود پیدا می‌کند. در واقع جنسیت‌زدگی زبانی، شیوه‌ای مناسب برای کنترل زبانی از سوی گروه‌های فرادست اجتماعی است. وترلینگ براگین می‌گوید:

«زبانی جنسیت‌زده است که کاربرد آن تمایزی بی‌دبانه، نامربوط یا ناعادلانه را در میان

جنسیت‌های مختلف به وجود آورده یا ترویج نماید» (پاک نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۵۳).

این تعریف، زبان را عاملی فرهنگی معرفی می‌نماید که می‌تواند شرایط و محدودیت‌هایی برای فرهنگ فراهم کند. پسوندهای منفی برای توصیف آن نشان می‌دهد که براگین زبان جنسیت‌زده را به هیچ عنوان طبیعی و ذاتی نمی‌دانسته است.

میلز معتقد است زبان جنسیت‌زده تأثیرات عمده‌ای بر اجتماع پیرامون خود می‌گذارد البته تأثیرات، بیشتر طولانی‌مدت هستند. ازجمله تأثیرات منفی آن:

«جنسیت‌زدگی زبانی به زنانی که در این کنش متقابل زبانی نادیده انگاشته می‌شوند،

احساس از خودبیگانگی و انزوا می‌دهد. و باعث می‌شود زنان تصویری کلیشه‌ای و منفی از

خود دریافت کنند و در نتیجه بر انتظارات مردان و یا خود آن‌ها از آن‌چه شایسته زن است،

تأثیر بگذارد» (همان: ۵۴).

۱-۲. جامعه‌شناسی زبان

خصلت اجتماعی زبان آن را با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی - فرهنگی پیوند می‌دهد و این همبستگی یا پیوستگی به حدی است که برخی زبان را آینه‌ای دانسته‌اند که پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی جامعه را به نوعی در خود منعکس می‌سازد. از سوی دیگر، برخی معتقدند که زبان بر اندیشه و شناخت انسان از دنیای خارج اثر می‌گذارد.

زبان و جامعه پیوسته در تحول و دگرگونی هستند؛ اما گستردگی و سرعت تغییرات و دگرگونی‌های زبانی و اجتماعی یکسان نیست. به‌طور کلی، تحولات اجتماعی با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتند و تغییرات زبانی کندتر هستند؛ اما در مجموع، در جهت تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی قرار دارند. به دنبال تحولاتی که در یک جامعه رخ می‌دهد، زبان آن جامعه نیز دچار دگرگونی می‌شود تا بتواند برای رویارویی با نیازهای ارتباطی جامعه همواره آماده باشد. مکتب کرایپ، جامعه را به مثابه گفت‌وگو می‌بیند (کلانتری، ۱۳۹۱: ۶۶). از نظر بوردیو تفاوت زبانی، ترجمان تفاوت اجتماعی است و بازارهای زبانی در چنبره میدان‌های خالص قرار دارند که منجر به توزیع نابرابر سرمایه زبانی می‌شوند.

«زبان نوعی سرمایه است که توزیع نابرابر آن به نابرابری‌ها و مبارزات فرهنگی منجر می‌شود. منطق میدان‌های اجتماعی در روابط قدرت نهفته در آنهاست که تعیین می‌کند چه چیز باید گفته شود یا ناگفته بماند. از این منظر، زبان نقشی اساسی در تولید و بازتولید ساختار با تمام مؤلفه‌های نابرابرانه آن به عهده دارد» (همان: ۱۳).

۲-۲. زبان جنسیت

زبان جنسیت‌زده نوعی کاربرد زبانی آگاهانه یا ناآگاهانه از سوی گوینده است که ممکن است زنان و مردان را از خود گریزان کند و منجر به ایجاد محیطی شود که از نظر ایجاد ارتباط و کنش‌های متقابل اجتماعی مؤثر، مناسب نباشد. یکی از خصوصیات زبان جنسیت‌زده نادیده انگاشتن بخش دیگری از مردم است که عموماً آن را زنان تشکیل می‌دهند. این امر در تعامل‌های گفتاری به زن احساس از خودبیگانگی و انزوا می‌دهد.

«در زبان جنسیت‌زده بعضی از صفات ارزش جامعه فقط در انحصار مردان قرار می‌گیرد و این باعث می‌شود تا زنان در کفه عدالت جایگاه کمتری داشته باشند. برای مثال «قول مردانه دادن» به‌نظر می‌رسد قوی است که فقط در دنیای مردان داده می‌شود و ظاهراً از زنان انتظار نمی‌رود که پای حرف خود بایستند. واژگان و عبارات دیگری از قبیل «جوانمردی»،

«مردکاری بودن» و یا حتی «مرد رند بودن» و... می‌تواند به‌عنوان مثال‌های خوبی در مورد

زبان جنسیت‌زده مطرح شود» (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

بر اساس مطالعاتی که در کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های حوزه جامعه‌شناسی زبان انجام گرفته است، ده مؤلفه برای بررسی و تحلیل رمان‌ها انتخاب شده است که عبارت‌اند از:

۳-۲. محور واژگان

زنان برای نام‌گذاری دقیق و تفکیک پدیده‌هایی جزئی از واژه‌های بیشتری استفاده می‌کنند، به همین جهت، گستره واژگانی آن‌ها از مردان بیشتر است و واژه‌های متنوعی برای توصیف احساسات و زیبایی‌ها به کار می‌برند. در حوزه واژگان، مؤلفه‌های زیر انتخاب شده‌است:

۲-۳-۱. رنگ واژه

یکی از تمایزهایی که بین مردان و زنان دیده می‌شود، تفاوت آن‌ها در به کار بردن رنگ‌هاست. رنگ‌هایی که مردان به کار می‌برند معمولاً رنگ‌های اصلی هستند؛ ولی زنان به طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها توجه نشان می‌دهند و در نامیدن رنگ‌ها به جزئیات بیشتری توجه دارند.

لاکف (۱۹۷۳)، معتقد است که تعداد واژگان مربوط به رنگ، در بین زن‌ها بیشتر از مردهاست.

«او واژگان رنگی از قبیل *mare, beige* و غیره را برمی‌شمرد که در بین زنان کاربرد زیادی

دارد در حالی که در بین مردان کاربرد ندارد. به نظر می‌رسد در فارسی نیز به کارگیری

واژگان مربوط به رنگ از قبیل فیلی، نخودی، نیلی، فیروزه‌ای و... بیشتر از طرف زنان است

که کاربرد دارد» (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

از نظر زبان‌شناسان، تفاوت در کاربرد رنگ واژه‌ها از سوی مردان و زنان می‌تواند به این دلیل باشد که مردان فقط به موضوعات کاری و سیاسی و اجتماعی علاقه نشان می‌دهند و مسائل جزئی و پیش پا افتاده، مانند تشخیص رنگ‌ها را به عهده زنان می‌گذارند.

۲-۳-۲. دشواژه

دشواژه‌ها (واژه‌های تحریم‌شده) از مصادیق تأثیر فرهنگ و ارزش‌های جامعه بر زبان می‌باشند. آنان صورت‌های زبانی هستند که ذکرشان از لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ناشایست تلقی می‌شود، به کارگیری نادرست و نابجای آن‌ها منجر به سرافکنندگی یا از دست دادن موقعیت اجتماعی فرد

می‌شود. در زمینه به کارگیری دشواژه‌ها یا تابوهای زبانی، زنان و مردان متفاوت عمل می‌کنند. برخی از این واژه‌ها فحش و ناسزا هستند که خود نشان‌دهنده بار منفی فرهنگی آن‌هاست. همچنین ذکر اعضای تناسلی، ذکر مدفوعات بدن و عمل دفع و محل آن‌هاست، صحبت در خصوص مسائل جنسی، ناسزاها و الفاظ رکیک را می‌توان در زمره این دسته قرار داد (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

«دشواژه‌ها، واژه‌های تحریم‌شده‌ای هستند که باید کلاً بر زبان آورده نشوند یا دست‌کم در

جمع مختلط یا در جمع مؤذنبانه از کاربردشان اجتناب گردد، به جای این واژه‌ها،

حسن‌تعبیرهای ویژه‌ای را می‌توان به کار برد» (آکماجین و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۶۸).

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که زنان بیشتر دشواژه‌هایی را که مربوط به حوزه‌های بیماری‌ها، مرگ، حالات روانی-جسمی و خانواده است به کار می‌برند و کمتر از دشواژه‌های مربوط به حوزه‌های جنسی استفاده می‌کنند. در همین رابطه، مردان عکس زنان رفتار می‌کنند و بیشترین میزان استفاده آن‌ها از دشواژه‌ها مربوط به حوزه‌های جنسی-خانوادگی و جنسی-خوراک می‌باشد و این امر نشان‌دهنده آن است که کاربرد دشواژه‌های زنان و مردان بر اساس انتخاب حوزه‌های واژگانی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. زبان‌شناسان معتقدند زنان گرایش ذاتی به استفاده از صورت‌های مؤذنبانه‌تر دارند؛ زیرا فرآیند اجتماعی شدن آنان به گونه‌ای است که جامعه همیشه از آن‌ها رفتاری صحیح‌تر و بهتر انتظار دارد. همین کنترل اجتماعی باعث شده، تا زنان از کاربرد دشواژه‌ها (مخصوصاً رکیک) پرهیزند و در اندک زمان‌هایی که استفاده شده بیشتر از صورت‌های زشت و بی‌ادبانه (غیررکیک) استفاده نمایند.

در زمینه به کارگیری دشواژه‌ها یا تابوی زبانی نیز، زنان و مردان دو نسل، متفاوت رفتار می‌کنند، در حالی که در نسل سوّم، تابوهای زبانی کمتری نسبت به نسل پیشین دیده می‌شود. مردان بیش از زنان از این واژگان استفاده می‌کنند و حتی موضوع این دشواژه‌ها نیز متفاوت است (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۴۹).

۲-۳-۳. سوگندواژه

در جوامعی که اعتماد متقابل بین افراد کم‌رنگ است و گاهی دروغ رواج دارد، وقتی گوینده با تردید یا انکار مخاطب روبه‌رو می‌شود، لازم می‌داند برای اظهار صداقت خود به مقدّسات یا امور ارزشی سوگند یاد کند. بروز برخی عواطف قوی هم چون گریستن در برخی بافت‌ها قابل انتظار است؛ اما بروز شدید خشم باید توجیه شده باشد، در چنین موقعیتی شخص برافروخته می‌شود، پیوسته سوگند

می خورد، ظلم و ستمی که بر او رفته برای دیگران بازگو می کند و... بروز خشم و شرح اعتراض و دادخواهی از سوی فردی که هتک حرمت شده از نظر زبان شناختی با برخی پدیده های فرازبانی همچون بلندی صدا، تکیه اغراق آمیز روی کلمات و کشیدن مصوت های بعضی کلمات کلیدی همچون خدا و قرآن همراه است (بیمن، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

پژوهش های انجام شده در زبان انگلیسی (گوم-۱۹۸۱) در مورد تفاوت های مردان و زنان در خصوص به کارگیری سوگندواژه ها، بیانگر این است که مردان بیش از زنان قسم می خورند. این تحقیقات همچنین نشان می دهد که در مکالمات تک جنسیتی آمار به کارگیری سوگندواژه ها بسیار بالاتر بوده است (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

از دید نگارنده مقاله، زنان چون فرو دست جامعه به شمار می روند برای اثبات صحبت هایشان بیشتر قسم می خورند؛ ولی مردان که همیشه با قاطعیت سخن می گویند و لزومی برای اثبات سخنان خود نمی بینند از سوگندواژه ها کمتر استفاده می کنند. مردان در بحث های سیاسی و محل کار از سوگندواژه ها بیشتر استفاده می کنند. سوگندواژه ها را می توان به دو دسته سوگند به مقدسات دینی مانند: به خدا، به پیغمبر، به مسیح و... و سوگند به امور ارزشی و مهم زندگی مانند به جان مادر، به جان بچه و... تقسیم نمود.

۲-۳-۴. تشدیدکننده

تشدیدکننده ها عباراتی هستند مانند: فقط، حتماً، واقعاً، خیلی، حقیقتاً، صد درصد و... که شدت و تأکید را به گفتار می افزایند. میزان کاربرد آن در زبان زنانه و مردانه متفاوت است. لیکاف و وارد هوگ^۱ معتقدند زنان به دلیل اینکه از دسترسی به قدرت در جامعه محروم شده اند، از استراتژی های زبانی دیگری برای ابراز و به دست آوردن جایگاه خود در اجتماع استفاده می کنند. نتایج این مطالعه نشان می دهد در برخوردهای مختلط، کاربرد تشدیدکننده ها به وسیله زنان نسبت به مردان بیشتر است و بنابراین تفاوت استفاده مردان و زنان از استراتژی های زبانی را می توان به نقش های متفاوتی که آن ها در اجتماع دارند، نسبت داد (غفار ثمر و علی بخشی، ۲۰۰۷: ۶۷).

۲-۳-۵. تعدیل کننده

لیکاف (۱۹۷۵)، یکی از مشخصه های زبان زنان را استفاده از تعدیل کننده ها می داند. از نظر وی،

تعدیل‌کننده‌ها کلماتی هستند که حس عدم قطعیت و درنگ گوینده را به مخاطب القاء می‌کند. در واقع، گوینده با به کار بردن این کلمات از اظهارنظرهای قطعی می‌پرهیزد (لیکاف، ۱۹۷۵: ۵۳).

تعدیل‌کننده‌ها، صورت‌های زبانی هستند که عدم اطمینان گوینده را درباره موضوع بحث بیان می‌کنند، با عباراتی مانند: فکر می‌کنم، گمان می‌کنم، شاید، احتمالاً و... که معمولاً در حالت‌های مؤدبانه به کار برده می‌شود. در تاریخچه مطالعات زبان و جنسیت، گفتار زنان را به دلیل به کارگیری تعدیل‌کننده‌ها، گفتار تردید توصیف کرده‌اند. لیکاف (۱۹۷۵)، علت استفاده بیشتر زنان از تعدیل‌کننده‌ها را عدم قطعیت و اطمینان آن‌ها می‌داند. او سه عملکرد را برای تعدیل‌کننده‌ها شناسایی کرده است: ۱- عدم اطمینان گوینده را نشان می‌دهد؛ ۲- در حالت‌های مؤدبانه به کار برده می‌شود؛ ۳- از مشخصه‌های زبان زنانه است، کسانی که از قدرت در جامعه برکنار هستند (نعمتی و بایر، ۲۰۰۷: ۱۹۰).

۲-۴. زبان معیار و عامیانه

زبان معیار آن گونه زبانی است که در مطبوعات به کار می‌رود و در مدارس تدریس می‌شود. علاوه بر این، «زبان به گونه‌ای است که افراد تحصیل کرده بدان تکلم می‌کنند و در پخش اخبار و سایر موقعیت‌های مشابه به کار می‌رود» (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۲۲) در واقع زبان معیار گونه‌ای معتبر از یک زبان است که بیشتر به وسیله گویندگان تحصیل کرده‌ای که در مراکز فرهنگی و سیاسی یک کشور زندگی می‌کنند، به کار می‌رود؛ این گونه، غالباً زبان رسمی در آموزش، رسانه‌های گروهی، نوشتار و سایر موقعیت‌های مشابه است (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۳۲). در مقابل زبان معیار، گونه زبان عامیانه وجود دارد که در میان مردم عامه رواج دارد. زبان‌شناسان معتقدند، زنان برای بالابردن شأن و منزلت اجتماعی خود در جامعه با توسل به زبان معیار و مؤدبانه تلاش می‌کنند جایگاه خود را ارتقاء دهند و از به کاربردن صورت‌های عامیانه به شدت دوری می‌کنند؛ اما برخلاف زنان، مردان شکل‌های عامیانه زبان را استفاده می‌کنند. در زمینه زبان معیار و عامیانه دو مؤلفه زیر انتخاب شده است:

۲-۴-۱. ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها بخشی از فرهنگ یک جامعه هستند که دانش، جهان‌بینی و نگرش عامی را در بین اعضای یک جامعه نشان می‌دهند. به کارگیری ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات رایج، نشان‌دهنده تأکید بر فرهنگ مشترک عام اجتماع است. نویسنده به منظور نشان دادن حقانیت خود و تأکید بر ادعایش،

ضرب‌المثل‌هایی به فراخور موقعیت می‌آورد. گویی نویسنده سخنان خود را کافی نمی‌داند و برای تأکید بر ادعاهایش، آن‌ها را با نمونه‌هایی از دانش مشترک و پذیرفته‌شده همگانی (مانند ضرب‌المثل‌ها) همراه می‌کند. استفاده از ضرب‌المثل‌ها می‌تواند نشان‌دهنده تمایل به نزدیک‌شدن به لایه‌های مرکزی فرهنگ عام و رایج باشد.

«زنان بیشتر در موضوعاتی عام‌تر از مردان از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحاتی زبانی استفاده می‌کنند، به این معنی که زنان بیشتر از مردان و اغلب برای تأکید منظور خود از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده، مردان اغلب با اهدافی آموزشی پندآموز از آن استفاده می‌کنند» (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۴۹).

ولی از منظر دیگر که نگاه کنیم، از آن جایی که زنان بیشتر از زبان معیار استفاده می‌کنند و برای حفظ موقعیت بهتر در اجتماع از زبان عامیانه دوری می‌کنند؛ در نتیجه از ضرب‌المثل‌ها که زیرمجموعه زبان عامیانه هست کمتر استفاده می‌کنند.

۲-۴-۲. زبان مؤدبانه

مراوده اجتماعی بین فرادست و فرودست، بر محور دادوستد متقابل دور می‌زند. تعهداتی که رابطه سلسله مراتبی بر دوش فرد بالادست می‌گذارد و او را ملزم می‌کند، در قبال انتظاراتی که از زیردستان دارد پاداش‌ها و نوازش‌های لازم را هم برای آن‌ها در نظر بگیرد. اگر توجه بالادست به زیردستان حقیقی باشد، رابطه بین آن‌ها پایدار می‌شود و حتی ممکن است به رابطه عاطفی و محبت‌آمیز تبدیل شود. در چنین حالتی کاربرد زبان مؤدبانه و تکریم و احترام - که در فارسی به اصطلاح «تعارف» نامیده می‌شود- از سطح یک راهبرد حقیقی برای ابراز صمیمیت و احترام قلبی، ارتقاء پیدا می‌کند (هیلمن، ۱۹۸۱: ۲۳۸).

زنان سبک ویژه‌ای دارند که واژگان، نحو، واج‌شناسی و عوامل فرازبانی خاص خود را شامل می‌شود. آنان در مورد آنچه می‌گویند مرددند، مایل‌اند عکس‌العمل شنونده را درباره گفته‌هایشان بسنجند، با صدایی ضعیف صحبت می‌کنند، گفته خود را جزئی و بی‌اهمیت می‌پندارند و به‌طور کلی مؤدبانه‌تر صحبت می‌کنند. زنان از شکل‌های بسیار مؤدبانه برای خواهش و تقاضا استفاده می‌کنند؛ همانند: اگر زحمتی نیست...

۲-۴-۳. در قاطعیت و انقیاد کلام

زبان‌شناسان، زبان مردان را قدرتمندانه و آمرانه و زبان زنان را حمایت‌طلبانه و مشارکت‌گرا توصیف

می‌کنند. آن‌ها معتقدند مردان در گروه‌هایی قرار دارند که به صورت سلسله مراتبی سازمان یافته است و رئیس و رهبر گروه برای اثبات قدرت و کنترلش بر گروه از فرم‌های قوی دستوری استفاده می‌کنند؛ اما سازمان گروه‌های زنانه غیر سلسله مراتبی و مبتنی بر مشارکت است. همچنین زنان در مکالمات در پی برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند. از این رو بیشتر منظورشان را پیشنهاد می‌کنند.

از نظر لیکاف زبان مردانه قاطعانه، بزرگسالانه و مستقیم و زبان زنانه نابالغ، خیلی رسمی و بیشازحد مؤدبانه و غیرقاطعانه است (لیکاف، ۱۹۷۵: ۶۷). تاتن^۱ نیز تأثیر اجتماعی شدن را بر زنان و مردان مطالعه کرده است. او نشان داد زنان عموماً طبق احساس نیاز اولیه به ارتباط و مردان به دلیل احساس نیاز به جایگاه اجتماعی، اجتماعی می‌شوند. زنان برای برآورده کردن نیاز خویش به ارتباط با دیگران، ایجاد صمیمیت می‌کنند در حالی که مردان برای برآورده کردن نیازهایشان به جایگاه اجتماعی به فاصله گرفتن و مستقل شدن از دیگران دست می‌زنند. بنابراین زبان زنان مؤدبانه و زبان مردان برای کسب جایگاه بالاتر، قاطعانه و قدرتمندانه است (غفّارثمر و علی بخشی، ۲۰۰۷: ۶۱). زبان‌شناسان برای زبان ضعیف ویژگی‌هایی را ذکر کرده‌اند و معتقدند به کار بردن درنگ‌ها، ایست‌ها در حین سخن گفتن، ناتمام گذاشتن جملات، پرسش ضمیمه‌ای و عذرخواهی‌ها، همگی نشانه‌دهنده شک و تردید گوینده و از فرم‌های ضعیف زبانی محسوب می‌شوند، هرچند در عین حال می‌تواند بیانگر ادب در محاورات نیز باشند.

۳. تحلیل داده‌ها

۳-۱. رنگ واژه‌ها

۳-۱-۱. در رمان شوهر آموخانم، شخصیت‌های زن بیشتر از مردان از رنگ واژه‌ها استفاده کرده‌اند. و رنگ واژه‌های فرعی مانند زرشکی، گیلاسی، رنگ دریا، کبود، مهتابی توسط زنان به کار رفته است. رنگ سیاه بسامد بالایی دارد، ۱۶ بار مردها و ۱۷ بار زنان به کار برده‌اند؛ یعنی ۳۳/۶۷ درصد رنگ سیاه به کار رفته است.

۳-۱-۲. در رمان سووشون، ۶۸/۳۸ درصد زن‌ها و ۳۱/۶۳ درصد مردها از رنگ‌ها استفاده کرده‌اند که با نظر زبان‌شناسان مطابقت دارد. سیمین دانشور بیشتر از رنگ‌های سیاه و سفید استفاده کرده است.

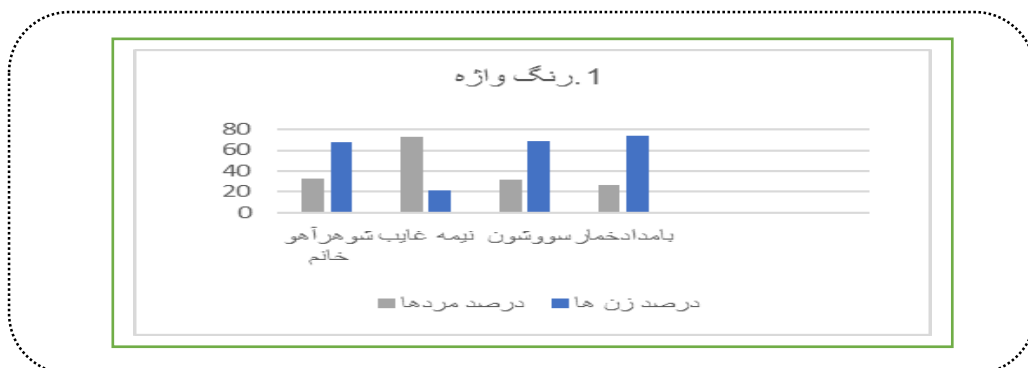
رنگ سیاه در داستان بسامد بالایی دارد. زن‌ها ۳۵ بار و مردها ۱۵ بار از رنگ سیاه استفاده کرده‌اند. ۵۱/۰۲ درصد رنگ‌های به کار رفته، رنگ سیاه است.

۳-۱-۳. در رمان نیمه غایب، نویسنده توجه ویژه‌ای در به کار بردن رنگ واژه‌ها در توصیفات خود دارد و بر خلاف نظر زبان‌شناسان در این داستان، شخصیت‌های مرد داستان بیشتر از شخصیت‌های زن از رنگ واژه‌ها استفاده کرده‌اند. رنگ‌های فرعی مثل بلوطی، خرمایی، آبی آسمانی را شخصیت‌های مرد داستان به کار برده‌اند که کاملاً مغایر با نظر زبان‌شناسان است. فرهاد: «نمی‌توانم بگویم به خاطر چشم‌های بلوطی‌تان،... یا ابروها و مژه‌های کشیده سیاه‌تان توی قاب باریک و سفید صورت» (سنابور، ۱۳۹۵: ۴۸).

۳-۱-۴. در رمان بامداد خمار، شخصیت‌های زن بیشتر از رنگ واژه‌ها استفاده کرده‌اند. ۵۷/۱۴ درصد رنگ‌ها مربوط به رنگ سیاه و سفید است که ۴۴/۸۹ درصد آن را زن‌ها به کار برده‌اند و رنگ کبود که ۴ بار مردان و ۳ بار زنان به کار برده‌اند بسامد بالایی دارد.

جدول ۱. رنگ واژه‌ها

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهرآهو خانم	۹۸	۳۲	۳۲/۶۵	۶۶	۶۷/۳۴
نیمه غایب	۲۹	۲۱	۷۲/۴۱	۸	۲۱/۵۸
سووشون	۹۸	۳۱	۳۱/۶۳	۶۷	۶۸/۳۸
بامداد خمار	۴۹	۲۱	۲۶/۵۳	۳۶	۷۳/۶۴



۳-۲-۱. در رمان شوهر آموخانم، برخلاف نظر زبان‌شناسان، زنان بیشتر از مردان از دشواری‌های رکیک و غیررکیک استفاده کرده‌اند که می‌توان علت آن را در داستان جستجو کرد. نخست اینکه زن‌های داستان بی‌سواد و عامی هستند و بسیاری از دشواری‌ها در گفت‌وگوی بین زن‌ها است. علت بعدی می‌تواند ستمی باشد که به شخصیت آرام و متین داستان وارد می‌شود. زنی که در حالت عادی امکان ندارد ناسازی بر زبانش رود؛ ولی به خاطر ستمی که شوهرش بر او روا می‌دارد و او ناچار است بعد از آن همه فداکاری، هوو را در زندگی خودش بپذیرد؛ دلیلی می‌شود که او هم زبان بر ناسزا بگشاید. زن‌های همسایه هم برای همدردی با خانم صاحب‌خانه که خیلی هم برایشان محترم است، زبان به ناسزا می‌گشایند. هما هم که شخصیتی سرکش در داستان دارد و جز خودش، کس دیگری برایش مهم نیست و برای رسیدن به هدفش دست به هر کاری می‌زند، به راحتی حقّی را زیر پا می‌گذارد و زبان به فحش باز می‌کند. با شرایطی که در داستان وجود دارد می‌توان استفاده زیاد دشواری‌ها توسط زنان داستان را توجیه کرد.

۳-۲-۲. در رمان سووشون، همانند رمان شوهر آمو خانم، شخصیت‌های زن بیشتر از شخصیت‌های مرد از دشواری‌های رکیک و غیررکیک استفاده می‌کنند. زری که در داستان زنی تحصیل کرده است از واژه رکیک استفاده نکرده است. ۵۰ درصد از واژه‌های رکیک را زنان دیوانه در دیوانه‌خانه استفاده کرده‌اند که بدین دلیل می‌توان مغایرت آن با نظر زبان‌شناسان را توجیه کرد و دیگر آنکه دشواری‌های رکیک زنان در گفت‌وگوی بین خودشان بوده است: زن دیوانه: «جنده، مادر قحبه، باز آمدی؟ آبرو دارم نمی‌توانم پای برهنه بروم خلا» (دانشور، ۱۳۹۸: ۱۰۳).

۳-۲-۳. در رمان نیمه غایب، شخصیت‌های مرد، بیشتر از شخصیت‌های زن از دشواری‌های غیررکیک استفاده کرده‌اند. و تنها دوبار از دشواری رکیک استفاده شده آن هم توسط شخصیت مرد داستان (پدر سینه‌دخت) که در واقع برای نسل گذشته است. شخصیت‌های داستان از جوانان تحصیل کرده و دانشگاهی هستند بنابراین واژه‌های رکیک از آنان در داستان نیست. در واژه‌های غیررکیک، بیشتر از واژه‌های احمق، خر و گه استفاده شده است که جوانان داستان به کار برده‌اند.

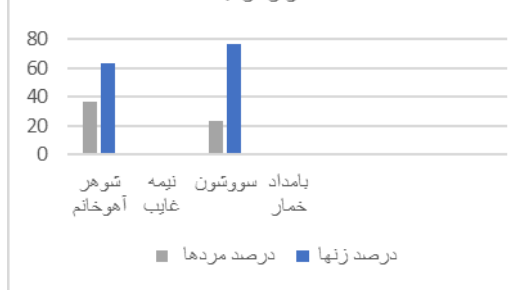
۳-۲-۴. در داستان بامداد خمار ۷۵ درصد از واژه‌های رکیک را مردان و ۲۵ درصد آن را زنان به کار برده‌اند و واژه‌های غیررکیک را ۵۱/۴۴ درصد مردان و ۴۸/۵۵ درصد را زنان به کار برده‌اند که با نظر زبان‌شناسان مغایرتی ندارد. ۵۸/۹۵ درصد واژه‌های غیررکیک در زنان را شخصیت اصلی داستان (محبوبه) به کار برده است و واژه غلط کرد یا غلط کردم بسامد بالایی دارد. کل دشواری‌های رکیک در

این داستان ۴ تاست که ۳ تا توسط پدر محبوبه در برخورد با رحیم به کار رفته و یک بار توسط دایه خانم در گفت و گو با محبوبه است.

جدول ۲. دشاژه های رکیک

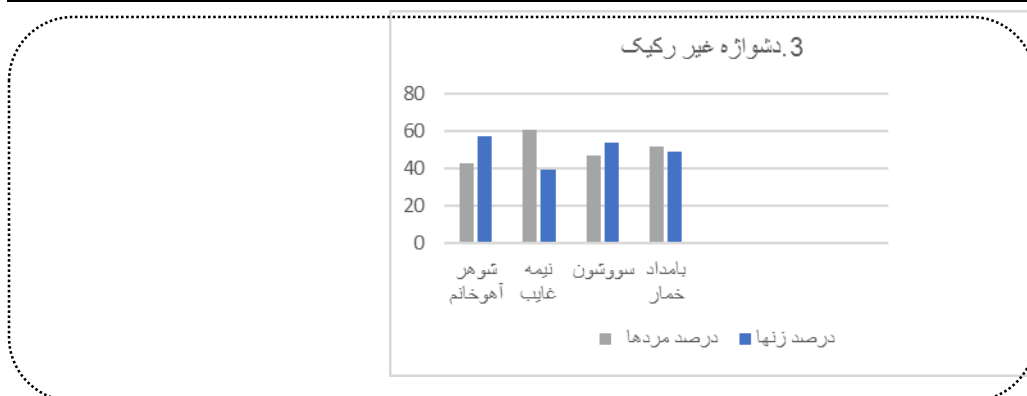
رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهر آهو خانم	۴۱	۱۵	۳۶/۵۸	۲۶	۶۳/۴۱
نیمه غایب	۲	۲	۱۰۰	۰	۰
سووشون	۲۱	۵	۲۳/۸۰	۱۶	۷۶/۱۹
بامداد خمار	۴	۳	۷۵	۱	۲۵

۲. دشاژه رکیک



جدول ۳. دشاژه های غیر رکیک

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهر آهو خانم	۳۷۶	۱۶۱	۴۲/۸۱	۲۱۵	۵۷/۱۸
نیمه غایب	۶۱	۳۷	۶۰/۶۵	۲۴	۳۹/۳۴
سووشون	۹۵	۴۴	۴۶/۳۱	۵۱	۵۳/۶۸
بامداد خمار	۲۷۶	۱۴۲	۵۱/۴۴	۱۳۴	۴۸/۵۵



۳-۳-۳. سوگندواژه‌ها

۳-۳-۳-۱. در گفت‌وگوهای شخصیت‌های داستان شوهر آهو خانم، شخصیت‌های زن بیشتر از شخصیت‌های مرد از سوگندواژه‌های امور مقدس استفاده کرده‌اند؛ اما در به کار بردن سوگندواژه‌های ارزشی مردان از زنان پیشی گرفته‌اند. شخصیت‌های مرد داستان در گفت‌وگوهای بین همجنسان برای اثبات و تأکید سخنان خود، به جان عزیزترین کس و زن و بچه خود قسم خورده‌اند، در حالی که زنان برای بازگو کردن ظلم و ستمی که بر آنان رفته است سوگند خورده‌اند که گاهی با نوعی التماس و خواهش همراه بوده است. آهو: «تو را به شمایل جدت پیغمبر، تو را به هر چه که در دنیا دوست داری و برایت عزیز است میران بیشتر از این با من بد نکن» (علی محمد افغانی، ۱۳۸۶: ۴۳۷).

۳-۳-۳-۲. در سووشون، شخصیت‌های مرد، بیشتر از زنان از سوگندواژه‌های امور مقدس استفاده کرده‌اند. و در به کار بردن سوگندواژه‌های ارزشی نتیجه عکس بوده است. در این رمان در محافل و جمع‌هایی که مردان با هم هستند بحث‌های سیاسی زیاد شده است و آنها برای اثبات سخنان خود از سوگندواژه‌ها استفاده کرده‌اند؛ اما دلیل کاربرد سوگندواژه‌ها در زنان و مردان داستان متفاوت است. مردان برای تأکید و اثبات سخنان خود بیشتر در جمع همجنسان، از سوگندواژه‌ها استفاده کرده‌اند. و زنان در گفت‌وگو با مردان بیشتر لحنی ملتمسانه داشته‌اند. زری: «تو را خدا یک امشب بگذار ته دلم از حرف‌هایت نلرزد» (دانشور، ۱۳۹۸: ۵).

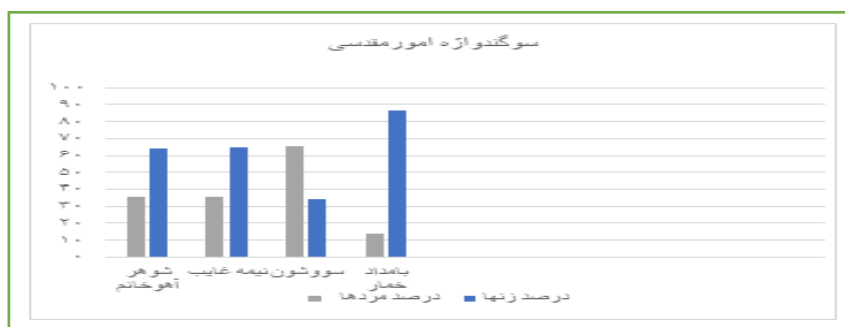
۳-۳-۳-۳. در نیمه غایب، شخصیت‌های زن بیشتر از مردان از سوگندواژه‌های امور مقدس استفاده کرده‌اند. و سوگند به امور ارزشی هم یافت نشد؛ اما نکته‌ای که در این داستان وجود دارد به کار بردن سوگندواژه‌های مقدس به‌طور آسان و شاید از روی عادت برای شخصیت‌های داستان است؛ یعنی برخی سوگندواژه‌ها در جایی به کار رفته که اصلاً نیازی برای آن نیست و فقط نقش حرف‌های

تأکیدی را دارد.

۳-۳-۴. در بامداد خمار، شخصیت‌های زن، هر دو نوع سوگندواژه‌ها را بیشتر از مردان به کار برده‌اند. در این داستان، بسیاری از کاربردهای سوگند به مقدسات، نقش حرف تأکیدی دارد. ۵۶/۸۴ درصد سوگند «به خدا» می‌باشد و ۳۲/۶۳ درصد از واژه «والله» استفاده شده است: دایه‌خانم: «من والله خوب شدم» (سیدجوادى، ۱۳۸۷: ۳۰۲).

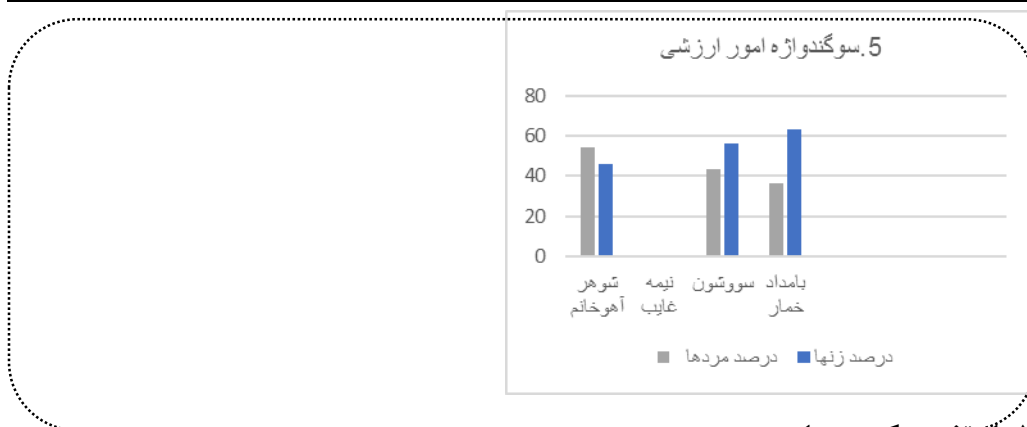
جدول ۴. سوگند واژه‌ها (امور مقدسی)

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهرآهو خانم	۵۳	۱۹	۳۵/۸۴	۳۴	۶۴/۱۵
نیمه غایب	۱۷	۶	۳۵/۲۹	۱۱	۶۴/۷۰
سووشون	۳۵	۲۳	۶۵/۷۱	۱۲	۳۴/۲۸
بامداد خمار	۹۵	۱۳	۱۳/۶۸	۸۲	۸۶/۳۱



جدول ۵. سوگند واژه‌ها (امور ارزشی)

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهرآهو خانم	۲۴	۱۳	۵۴/۱۶	۱۱	۴۵/۸۳
نیمه غایب	۰	۰	۰	۰	۰
سووشون	۱۶	۷	۴۳/۷۵	۹	۵۶/۲۵
بامداد خمار	۱۱	۴	۳۶/۳۶	۷	۶۳/۶۳



۳-۴. تشدیدکننده‌ها

۳-۴-۱. در شوهر آهو خانم، زنان بیشتر از مردان از تشدیدکننده‌ها استفاده کرده‌اند که منطبق با نظر زبان‌شناسان است. مردان بیشتر از واژه‌های مسلماً، اصلاً، باید، حتماً، فقط، یقین بدان، قطعاً و به‌خصوص استفاده کرده‌اند که بیشتر در مسائل کاری به کار رفته و بیشتر نوعی تأکید دستوری است. و زنان هم از واژه‌های فقط، مسلماً، ابداً، اصلاً، مخصوصاً، یقین دارم استفاده کرده‌اند و بیشتر برای تأکید و اثبات کردن سخن و احساس است به غیر از هما در داستان که برخی تشدیدکننده‌هایی که به کار می‌برد تأکید دستوری است و آن هم به دلیل نفوذی است که بر شوهرش سید میران دارد و دیگر به دلیل روحیه سرکشی است که دارد.

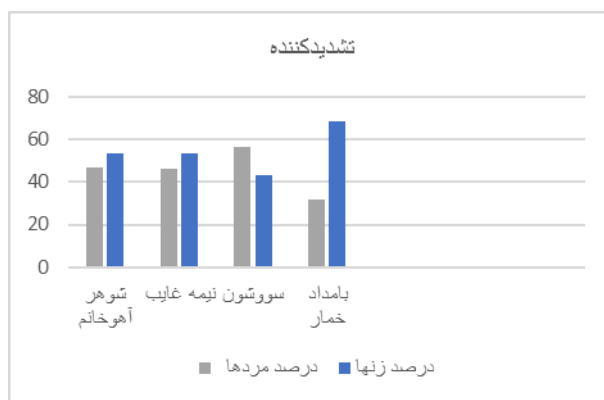
۳-۴-۲. در سووشون ۱۷۱ بار از تشدیدکننده‌ها استفاده شده که مردان ۹۷ بار معادل ۵۶/۴۷ درصد و زنان ۷۴ بار معادل ۴۳/۲۷ درصد استفاده کرده‌اند که با نظر زبان‌شناسان مبنی بر اینکه تشدیدکننده‌ها در رمان‌های زن نگاشته در شخصیت‌های زن بیشتر به کار می‌رود منطبق نیست. شاید دلیلش این است که در این رمان، مردان در محافل و مراسم، بحث‌های سیاسی زیادی داشته‌اند و برای تأکید سخنان خود از تشدیدکننده‌ها استفاده کرده‌اند.

۳-۴-۳. در نیمه غایب، زنان بیشتر از مردان از تشدیدکننده‌ها استفاده کرده‌اند که منطبق با نظر زبان‌شناسان است. یکی از شخصیت‌های اصلی زن داستان به نام سیندخت است. تشدیدکننده‌هایی که او به کار می‌برد بیشتر حالت تأکید دستوری دارد به خاطر روحیه خودساخته‌ای که این شخصیت در داستان دارد: «سیندخت: به هیچ عنوان نمی‌آم» (سناپور، ۱۳۹۵: ۵۳).

۳-۴-۴. در بامداد خمار، شخصیت‌های زن بیشتر از شخصیت‌های مرد از تشدیدکننده‌ها استفاده کرده‌اند که کاملاً با نظر زبان‌شناسان منطبق است.

جدول ۶. تشدید کننده ها

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهر آهو خانم	۷۶۸	۳۵۹	۴۶/۷۴	۴۰۹	۵۳/۲۵
نیمه غایب	۱۹۸	۹۲	۴۶/۴۶	۱۰۶	۵۳/۵۳
سووشون	۱۷۱	۹۷	۵۶/۷۲	۷۴	۴۳/۲۷
بامداد خمار	۳۲۰	۱۰۱	۳۱/۵۶	۲۱۹	۶۸/۴۳



۳-۵. تعدیل کننده ها

۳-۵-۱. در رمان شوهر آهو خانم، ۴۸/۹۳ درصد از تعدیل کننده ها را مردان و ۵۱/۰۶ درصد را زنان به کار برده اند که منطبق با نظر زبان شناسان است. بیشتر تعدیل کننده ها نشان دهنده عدم اطمینان شخصیت های زن در گفت و گوهاست.

۳-۵-۲. در سووشون، شخصیت های زن بیشتر از مردها از تعدیل کننده ها استفاده کرده اند که منطبق با نظر زبان شناسان است.

۳-۵-۳. در نیمه غایب، ۱۵۱ بار از تعدیل کننده ها استفاده شده است که شخصیت های مرد بیشتر از شخصیت های زن از تعدیل کننده ها استفاده کرده اند که برخلاف نظر زبان شناسان است. آمار زیاد تعدیل کننده ها در این رمان به گونه ای نشان دهنده نوعی سرگشتگی و حیرانی شخصیت هاست که هر کدام دنبال نیمه گمشده خود هستند و با کلی چراها و شک و تردیدها روبه رویند. شخصیت اصلی

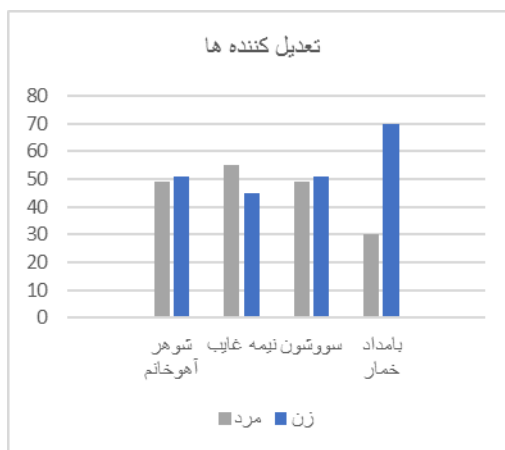
داستان که نامش فرهاد است با کَلّی شایدها دست‌وپنجه نرم می‌کند، از عشقش جدا شده و گذشته و آینده‌اش پر از تردید است. سینه‌دخت - عشق فرهاد- به دنبال مادرش است که در کودکی او را رها کرده و به خارج از کشور رفته است. تصویر پر از ابهام و تردیدی که از مادرش دارد از صحبت‌های پدرش و دوست خانوادگی‌شان است.

۴-۵-۳. در *بامداد خمار* ۷۰ درصد تعدیل‌کننده‌ها را زن‌ها و ۳۰ درصد آن را مردها به کار برده‌اند.

شخصیت‌های زن داستان ۲۸ بار از تعدیل‌کننده‌ها استفاده کرده‌اند که ۱۴ بار آن را مجبویه شخصیت اصلی داستان به کار برده است؛ یعنی معادل ۵۰ درصد.

جدول ۷. تعدیل‌کننده‌ها

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		درصد	تعداد	درصد	تعداد
شوهر آهو خانم	۱۴۱	۴۸/۹۳	۶۹	۵۱/۰۶	۷۲
نیمه غایب	۱۵۱	۵۴/۹۶	۸۳	۴۵/۰۳	۶۸
سووشون	۴۷	۴۸/۹۳	۲۳	۵۱/۰۶	۲۴
بامداد خمار	۴۰	۳۰	۱۲	۷۰	۲۸



۶-۳. زبان معیار و عامیانه

۳-۶-۱. ضرب‌المثل‌ها

۳-۶-۱-۱. در شوهر آموخانم، ۵۷/۶۴ درصد از ضرب‌المثل‌ها را زنان و ۴۲/۳۵ درصد را مردها به کار برده‌اند از آن جایی که زنان داستان بی‌سواد و عامی هستند برای تأکید بر سخنان خود از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده‌اند که اغلب در گفت‌وگوی بین خودشان بوده است.

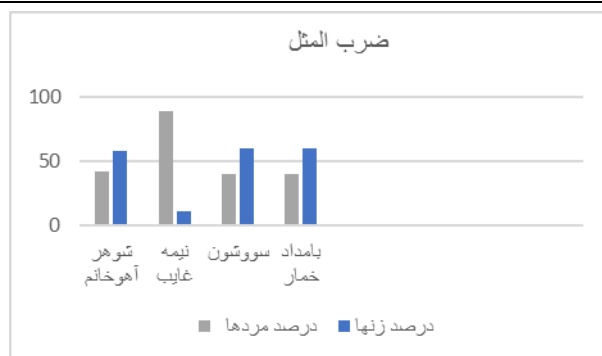
۳-۶-۱-۲. در سووشون، ۴۰/۴۲ درصد از ضرب‌المثل‌ها را مردها و ۵۹/۵۷ درصد را زنان به کار برده‌اند. زری که شخصیت باسواد داستان است تقریباً ۹ بار از ضرب‌المثل در حرف‌هایش استفاده کرده است. استفاده از ضرب‌المثل، برای هر دو جنسیت، هم برای تکمیل سخنان هم برای تأکید حرف به کار رفته است.

۳-۶-۱-۳. در نیمه غایب، ۹ ضرب‌المثل پیدا شده است که ۸ ضرب‌المثل را شخصیت‌های مرد به کار برده‌اند و یکی را شخصیت زن که پیرزنی است و جز شخصیت‌های اصلی داستان نیست. در بین جوانان داستان فقط یک نمونه ضرب‌المثل از بیژن هست که نسبت به دیگران، عامیانه‌تر صحبت می‌کند و از هیچ کدام از شخصیت‌های جوان و تحصیل کرده داستان، ضرب‌المثلی یافت نشد.

۳-۶-۱-۴. در بامداد خمار، شخصیت‌های زن بیشتر از شخصیت‌های مرد از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده‌اند. ۲۱ ضرب‌المثل را محبوبه شخصیت اصلی داستان به کار برده است.

جدول ۸. ضرب‌المثل‌ها

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهر آمو خانم	۲۲۹	۹۷	۴۲/۳۵	۱۳۲	۵۷/۶۴
نیمه غایب	۹	۸	۸۸/۸۸	۱	۱۱/۱۱
سووشون	۴۷	۱۹	۴۰/۴۲	۲۸	۵۹/۵۷
بامداد خمار	۱۱۱	۴۴	۳۹/۶۳	۶۷	۶۰/۳۶



۲-۶-۳. زبان مؤدبانه

۳-۶-۲-۱. در شوهر آهو خانم، ۵۹/۴۵ درصد زبان مؤدبانه را آقایان و ۴۰/۵۴ درصد را خانم‌ها به کار برده‌اند که کاملاً مغایر با نظر زبان‌شناسان است. زبان مؤدبانه آقایان، بیشتر بین همجنسان و همکاران به کار رفته است. مثلاً جایی که سید میران با آقاشجاع در مورد نانوا و آسیابان صحبت می‌کنند. و در گفت‌وگوی با غیرهمجنس، ابتدای آشنایی سید میران با هما از زبانی کاملاً مؤدبانه استفاده شده است. همسایه‌ها با هم کاملاً عامیانه سخن می‌گویند و فقط جایی که آهو برای دیدن خواهر شوهر هما می‌رود از آنجایی که اولین دیدار و آشنایی است، هر دو مؤدبانه سخن می‌گویند. بنابراین در زمینه کار، همکاری و اولین آشنایی یا دیدار زبان مؤدبانه به کار می‌رود؛ اما در ارتباط خانوادگی و همسایگی زبان عامیانه و صمیمی می‌باشد.

۳-۶-۲-۲. در سوسون، ۵۱/۵۶ درصد زبان مؤدبانه را آقایان و ۴۸/۴۳ درصد را خانم‌ها به کار برده‌اند که مغایر با نظر زبان‌شناسان است؛ زیرا آقایان بیشتر در محافل رسمی دیدار و گفت‌وگو دارند و بحث‌های سیاسی و اجتماعی می‌کنند و بیشتر گفتارهای شخصیت‌های زن، در میان خانواده و بین همسایه‌ها و دوستان است که حالت صمیمانه دارد نه رسمی.

۳-۶-۲-۳. در نیمه غایب، ۶۱/۹۰ درصد مردها و ۳۸/۰۹ درصد زنان از زبان مؤدبانه استفاده کرده‌اند که کاملاً مغایر با نظر زبان‌شناسان است. زمانی که فرهاد با راننده یا دفتردار دانشکده یا فریدون با پرستار سخن می‌گوید زبان کاملاً مؤدبانه می‌باشد. شخصیت‌های زن هم مثل فرح زمانی که با عباس، خواستگارش تلفنی حرف می‌زند، زبانش کاملاً مؤدبانه است. زبان شخصیت‌های داستان با همدیگر به‌طور صمیمی و عامیانه است؛ اما با اشخاص جدید و غریبه به‌خصوص در حیطه کاری، زبان رسمی و

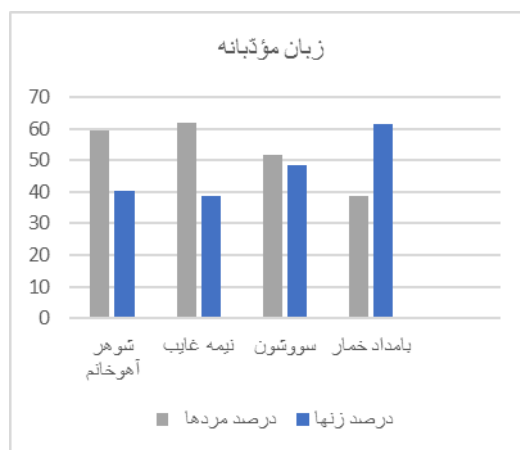
مؤدبانه است.

۳-۶-۲-۴. در بامداد خمار ۹۶ بار از جملات مؤدبانه استفاده شده است که ۳۸/۵۴ درصد را

آقایان و ۶۱/۴۵ درصد را خانم‌ها به کار برده‌اند که کاملاً با نظر زبان‌شناسان مطابقت دارد.

جدول ۹. زبان مؤدبانه

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهر آهو خانم	۳۷	۲۲	۵۹/۴۵	۱۵	۴۰/۵۴
نیمه غایب	۶۳	۳۹	۶۱/۹۰	۲۴	۳۸/۰۹
سووشون	۶۴	۳۳	۵۱/۵۶	۳۱	۴۸/۴۳
بامداد خمار	۹۶	۳۷	۳۸/۵۴	۵۹	۶۱/۴۵



۳-۷. در قاطعیت و انقیاد کلام

۳-۷-۱. پرسش‌های ضمیمه‌ای

۳-۷-۱-۱. در شوهر آهو خانم، ۱۷ بار از پرسش‌های ضمیمه‌ای استفاده شده که ۸ بار آن را مردان و ۹

تا را زنان به کار برده‌اند. شخصیت‌های مرد، پرسش‌های ضمیمه‌ای را در گفت‌وگو بین هم‌جنسان و در

زمینه کار و زنان بیشتر در گفت‌وگو با مردان استفاده کرده‌اند که کاملاً با نظر زبان‌شناسان مطابقت

می‌کند. پرسش‌های ضمیمه‌ای که شخصیت‌های مرد به کار می‌برند بیشتر حالت تأکیدی دارد؛ اما پرسش‌های ضمیمه‌ای که زنان به کار می‌برند بیشتر نشان‌دهنده عدم اطمینان از سخنانشان است.

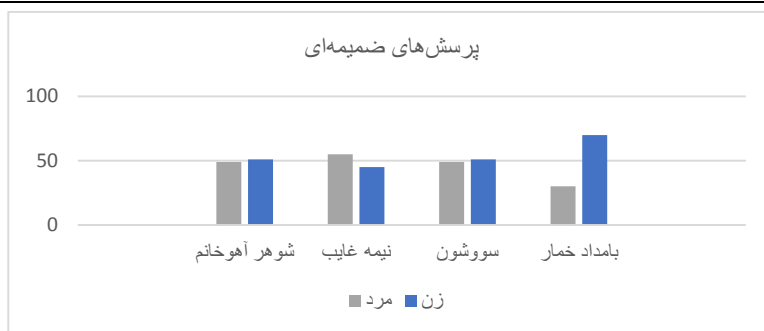
۳-۷-۱-۲. در سووشون، ۲۷/۷۷ درصد را آقایان و ۷۲/۲۲ درصد را خانم‌ها به کار برده‌اند که کاملاً مطابق با نظر زبان‌شناسان است. البته ۵ نمونه از این پرسش‌ها را مینا و مرجان، کودکان زری در این داستان به کار برده‌اند.

۳-۷-۱-۳. در نیمه غایب، حسین سنپور، ۲۷ بار از پرسش‌های ضمیمه‌ای استفاده کرده است که ۴۰/۷۴ درصد آن را مردها و ۵۹/۲۵ درصد را زنان به کار برده‌اند که منطبق با نظر زبان‌شناسان است. ثریا (مادر سیندخت) در آخرین فصل وارد داستان می‌شود و در همین فصل ۶ بار از پرسش‌های ضمیمه‌ای استفاده می‌کند. کاربرد پرسش‌های ضمیمه‌ای در شخصیت‌های مرد و زن داستان، هر دو نشان‌دهنده عدم اطمینان و تردید است. چون در داستان همه شخصیت‌های زن و مرد برای هر نسلی که هستند دچار تردید و سرگشتگی‌اند.

۳-۷-۱-۴. در بامداد خمار، ۵۵ درصد را زنان و ۴۵ درصد را مردها به کار برده‌اند. مواردی که مردها از پرسش‌های ضمیمه‌ای استفاده می‌کنند بیشتر برای تأکید بر دستور و امرشان است. زمانی که پدر محبوبه با رحیم سخن می‌گوید، کلامش کاملاً آمرانه است و برای تأکید سخنانش از این نوع پرسش استفاده می‌کند. رحیم هم با محبوبه با حالتی دستوری سخن می‌گوید و برای تأکید حرفش از این نوع پرسش استفاده می‌کند؛ اما جاهایی که زنان از پرسش ضمیمه‌ای استفاده می‌کنند نشان‌دهنده تردید و عدم اطمینان در گفتارشان است: آقاجان: «باید فوراً دخترم را طلاق بدهی. فهمیدی؟» (سیدجواد، ۱۳۸۷: ۳۷۵).

جدول ۱۰. پرسش‌های ضمیمه‌ای

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهر آهو خانم	۱۷	۸	۴۷/۰۵	۹	۵۲/۹۴
نیمه غایب	۲۷	۱۱	۴۰/۷۴	۱۶	۵۹/۲۵
سووشون	۱۸	۵	۲۷/۷۷	۱۳	۷۲/۲۲
بامداد خمار	۲۰	۹	۴۵	۱۱	۵۵



۳-۷-۲. جملات ناتمام

۳-۷-۲-۱. در شوهر آهوخاتم، در تضاد با نظر زبان‌شناسان است. آقایان ۵۷/۱۴ درصد و خانم‌ها ۴۲/۸۵ درصد از جملات ناتمام استفاده کرده‌اند. مردها جملات ناتمام را بیشتر در گفت‌وگو با همجنسان و در مورد کار دارند.

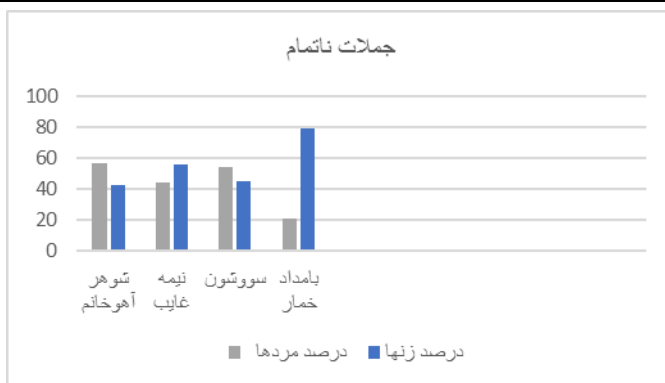
۳-۷-۲-۲. در سووشون، منطبق با نظر زبان‌شناسان نیست. ۵۴/۵۴ درصد آقایان و ۴۵/۴۵ درصد خانم‌ها جملات ناتمام به کار برده‌اند. به کار بردن جملات ناتمام توسط مردان اغلب به دلیل اطلاع داشتن مخاطب از موضوع است نه تردید.

۳-۷-۲-۳. در نیمه غایب، کاملاً منطبق با نظر زبان‌شناسان است.

۳-۷-۲-۴. در بامداد خمار، موافق با نظر زبان‌شناسان است.

جدول ۱۱. جملات ناتمام

زن		مرد		تعداد کل	رمان
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۴۲/۸۵	۹	۵۷/۱۴	۱۲	۲۱	شوهر آهوخاتم
۵۵/۵۵	۱۰	۴۴/۴۴	۸	۱۸	نیمه غایب
۴۵/۴۵	۱۰	۵۴/۵۴	۱۲	۲۲	سووشون
۷۸/۹۴	۱۵	۲۱/۰۵	۴	۱۹	بامداد خمار



۳-۷-۳-۳- عذرخواهی‌ها

۳-۷-۳-۱. در شوهر آهو خانم، ۶ بار عذرخواهی یافت شد که ۴ بار را مردها و ۲ بار را زن‌های داستان به کار برده‌اند؛ معادل ۶۶/۶۶ درصد مردان و ۳۳/۳۳ درصد زنان که کاملاً با نظر زبان‌شناسان مغایر است. سه نمونه از عذرخواهی‌ها در مکالمه سید میران می‌باشد که هر سه آن در صحبت با هماست که یک عذرخواهی در برخورد اولیه او با هماست و دو مورد دیگر زمانی که هما زن عقدی او شده و نشان از شیفتگی بی‌حد سید میران به هماست. یک مورد دیگر از حسین خان ضربی است در صحبت با سید میران. و دو عذرخواهی زنان مربوط به هماست که یک مورد در آشنایی اولیه او با سید میران است که نشان می‌دهد هر دو در دیدارهای اولیه آشنایی خیلی محترمانه و مؤدبانه برخورد کرده‌اند. و مورد دیگر زمانی است که آهو متوجه می‌شود که شوهرش، هما را عقد کرده است (کسی که او مثل خواهرش در خانه به او پناه داده بود) و هما به خواسته سید میران و برای تثبیت موقعیت خود، از آهو عذرخواهی می‌کند: سید میران: «اگر چنین باشد با نهایت شرمندگی از جسارتی که ندانسته مرتکب شده‌ام عذر می‌طلبم...» (افغانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

۳-۷-۳-۲. در سووشون، ۹ بار از عذرخواهی استفاده شده که ۶۶/۶۶ درصد آن را مردان و ۳۳/۳۳ درصد را زنان به کار برده‌اند که مغایر با نظر زبان‌شناسان است. بیشتر عذرخواهی‌های مردان مربوط به مکالمه بین خودشان است جز یک نمونه که یوسف از زری عذرخواهی می‌کند. هر سه عذرخواهی شخصیت‌های زن، از زری است یک بار در گفت‌وگوی بین خانم‌ها و دو بار دیگر در گفت‌وگو با مردان است که مهمان او بودند.

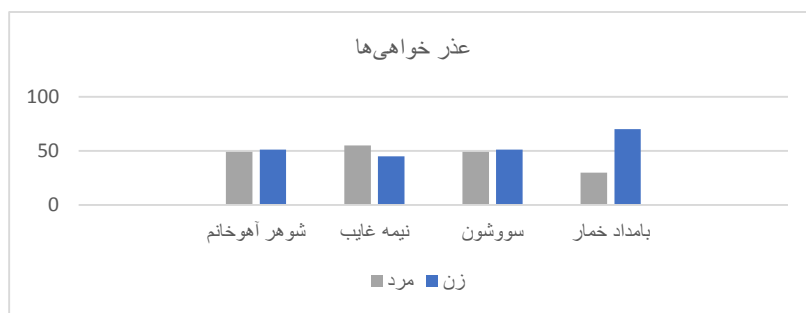
۳-۷-۳-۳. در نیمه غایب، ۲۰ بار از عذرخواهی استفاده شده است که ۳۰ درصد آن را مردان و

۷۰ درصد را زنان استفاده کرده‌اند که مطابق با نظر زبان‌شناسان است. ۵ نمونه از عذرخواهی‌ها در قسمت آخر داستان در گفت‌وگوی سیندخت با مادرش است که بعد از سال‌ها او را می‌بیند و در دیداری که برای هر دوی آن‌ها پر از اضطراب و دلواپسی است، سیندخت با حالتی کاملاً مضطرب و آشفته، از مادرش عذرخواهی می‌کند.

۴-۳-۷-۳. در بامداد خمار، ۱۲ بار عذرخواهی شده که ۳۳/۳۳ درصد را آقایان و ۶۶/۶۶ درصد را خانم‌ها به کار برده‌اند که با نظر زبان‌شناسان موافق است. ۴ عذرخواهی مربوط به شخصیت‌های مرد در گفت‌وگوی با زن‌ها بوده است و شخصیت‌های زن ۸ بار عذرخواهی کرده‌اند که ۲ بار آن در گفت‌وگوی با مردان است و ۶ بار دیگر در گفت‌وگوی با زن‌ها صورت گرفته است.

جدول ۱۲. عذرخواهی‌ها

رمان	تعداد کل	مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شوهر آهو خانم	۶	۴	۶۶/۶۶	۲	۳۳/۳۳
نیمه غایب	۲۰	۶	۳۰	۱۴	۷۰
سووشون	۹	۶	۶۶/۶۶	۳	۳۳/۳۳
بامداد خمار	۱۲	۴	۳۳/۳۳	۸	۶۶/۶۶



۴. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر که ۴ رمان بر اساس ده مؤلفه از مؤلفه‌های موجود در زمینه زبان جنسیتی، بررسی و تحلیل شده، نتایج زیر به دست آمده است:

۱. در تحلیل رمان‌ها در زمینه رنگ واژه‌ها به غیر از رمان نیمه غایب، دیگر رمان‌ها با نظر

زبان‌شناسان مطابقت دارند و شخصیت‌های زن بیشتر از شخصیت‌های مرد از رنگ و واژه‌ها استفاده کرده‌اند؛ اما در رمان نیمه غایب ۷۲/۴۱ درصد مردان از رنگ و واژه‌ها استفاده کرده‌اند و رنگ‌های فرعی هم بیشتر توسط مردان استفاده شده است. سناپور توجه ویژه‌ای به رنگ‌ها دارد و توصیف مکان‌ها در این داستان همراه با رنگ و واژه‌هاست به‌ویژه رنگ و واژه‌های فرعی که نشان می‌دهد نویسنده رنگ‌ها را خوب می‌شناسد.

۲. در زمینه دشواژه‌ها، در دو رمان دهه ۴۰، زنان بیشتر از مردان از دشواژه‌های رکیک و غیررکیک استفاده کرده‌اند. در رمان شوهر آهوخانم، به دلیل بی‌سواد و عامی بودن زنان و ظلمی که بر زن‌ها وارد شده است. در سووشون، بیشتر دشواژه‌ها را زنان دیوانه‌خانه به‌کار برده‌اند. در دو داستان دیگر منطبق با نظر زبان‌شناسان است.

۳. در سوگندواژه‌های امور مقدس، در سووشون، منطبق با نظر زبان‌شناسان نیست؛ ولی در سایر رمان‌ها شخصیت‌های زن از سوگندواژه‌های امور مقدس بیشتر از مردان استفاده کرده‌اند. در شوهر آهوخانم مردان بیشتر از زنان از سوگندواژه‌های امور ارزشی استفاده کرده‌اند. شخصیت‌های داستان نیمه غایب از سوگندواژه‌های ارزشی استفاده نکرده‌اند و نمونه‌ای یافت نشد. در رمان‌های سووشون و بامداد خمار موافق نظر زبان‌شناسان است.

۴. در همه داستان‌ها شخصیت‌های زن بیشتر از مردان از تشدیدکننده‌ها استفاده کرده‌اند به غیر از سووشون؛ زیرا در این رمان، مردان در محافل، بحث‌های سیاسی داشته، برای تأکید و قانع کردن مخاطب‌شان از تشدیدکننده‌ها بیشتر استفاده کرده‌اند.

۵. در استفاده تعدیل‌کننده‌ها، به غیر از نیمه غایب، بقیه رمان‌ها با نظر زبان‌شناسان مطابقت دارد. در نیمه غایب که داستان سرگشتگی نسل‌هاست، از تردیدنماها زیاد استفاده شده است. شخصیت‌ها تردیدهای زیادی درباره گذشته و آینده‌شان دارند.

۶. در همه رمان‌ها، شخصیت‌های زن بیشتر از مردان از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده‌اند به غیر از نیمه غایب که تعداد ضرب‌المثل‌ها خیلی کم است؛ زیرا شخصیت‌ها بیشتر جوانان تحصیل کرده هستند و کمتر از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده‌اند و مردان بیشتر از زنان ضرب‌المثل به‌کار برده‌اند و آن هم دو شخصیتی که در میان جوانان، عامیانه‌تر سخن می‌گفتند.

۷. در زبان مؤدبانه، فقط رمان بامداد خمار با نظر زبان‌شناسان مطابقت دارد و شخصیت‌های زن بیشتر از مردان از جملات مؤدبانه استفاده کرده‌اند. در شوهر آهوخانم و سووشون، زنان همسایه به‌طور

عامیانه با هم گفت‌وگو می‌کنند و مردان در محافل و جمع همکاران مؤدبانه سخن می‌گویند که نشان می‌دهد اندیشه افغانی و دانشور بر محور مردسالاری می‌چرخد و دلیلش این است که زبان رسمی به دلیل بر سر کار بودن درصد بیشتری از مردان در اختیار آقایان است و دانشور و افغانی ناخواسته این غلبه مردانه بر زبان را رعایت کرده‌اند. در نیمه غایب دوستان صمیمی صحبت کرده‌اند و در برخورد با غریبه‌ها مؤدبانه سخن گفته‌اند.

۸. در پرسش‌های ضمیمه‌ای، همه رمان‌ها با نظر زبان‌شناسان مطابقت دارند.

۹. در مؤلفه جملات ناتمام و عذرخواهی‌ها، رمان شوهر آهو خانم و سووشون، با نظر زبان‌شناسان منطبق نیست.

۱۰. با مقایسه داستان‌ها بر اساس دهه‌هایی که نوشته شده‌اند می‌توان به نتایج جالبی رسید: با نگاه و دقت به آمارها و جدول‌ها و نمودارها، دیده می‌شود که داستان شوهر آهو خانم و سووشون که در دهه ۴۰ نگاشته شده است، بسامدهای نزدیک به هم دارند. بسامد عذرخواهی‌ها و تعدیل‌کننده‌ها کاملاً همانند هم است و در رنگ واژه‌ها بسیار نزدیک به هم هستند. در دشواژه‌ها، جملات ناتمام، زبان مؤدبانه و ضرب‌المثل‌ها نزدیک به هم هستند. در نیمه غایب و بامداد خمار که در دهه ۷۰ نوشته شده‌اند نسبت به دو داستان دهه ۴۰، دشواژه‌های رکیک بسیار کمتر به کار رفته است. بامداد خمار روایت خاطره‌ای از دهه ۴۰ است؛ اما نویسنده، رمان را در دهه ۷۰ می‌نگارد و همانند نیمه غایب از دشواژه‌های کمتری استفاده می‌کند و نظر قیاض و رهبری در این زمینه که نسل سوم از واژه‌های تابو کمتر استفاده می‌کنند کاملاً در این دو رمان در مقایسه با رمان‌های دهه ۴۰ مشهود است. نکته‌ای که در نیمه غایب و بامداد خمار در به کار بردن سوگندواژه‌های امور مقدس وجود دارد، استفاده آسان و شاید از روی عادت این سوگندواژه‌ها برای شخصیت‌های داستان می‌باشد؛ یعنی برخی سوگندواژه‌ها در جایی به کار رفته‌اند که اصلاً نیازی به آن نیست و تنها نقش حرف تأکیدی را ایفا می‌کنند. در نیمه غایب، سوگند ارزشی به کار نرفته است و در بامداد خمار سوگند امور ارزشی بسیار کمتر از امور مقدس است و در مسائل جدی‌تر به کار رفته است. به نظر می‌آید علت آن باشد که در این دوره مردم به راحتی به جان عزیزانشان قسم نمی‌خورند؛ اما بر حسب عادت، برای کمی تأکید بیشتر، به امور مقدس قسم می‌خورند در صورتی که در رمان‌های دهه ۴۰ هر دو نوع قسم در جاهای کاملاً جدی به کار رفته است. در پرسش‌های ضمیمه‌ای و عذرخواهی‌ها در رمان‌های دهه ۷۰ آماری تقریباً نزدیک به هم دیده می‌شود. دستاوردها نشان می‌دهد که گذر زمان بر زبان جنسیت تأثیر دارد و می‌توان گفت علتش

تغییرات فرهنگی و باورهاست که مجالی برای بررسی آن علل در این مقاله نبوده است.

کتابنامه

- آکماجین، آندرین؛ دمرز، ریچارد؛ فارمر، ان ک؛ هارنیش، رابرت م. (۱۳۷۵) *زبان‌شناسی (درآمدی بر زبان و ارتباط)*، چاپ اول. مترجم: علی بهرامی. کرمانشاه: انتشارات طاق بستان.
- ارباب، سپیده. (پاییز و زمستان ۱۳۹۱) «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۴، سال دوم، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- افغانی، علی محمد. (۱۳۸۶) *شوهر آهو خانم*، چاپ دوم. تهران: چاپخانه سعدی.
- بیمین، ویلیام ا. (۱۳۸۶) *منزلت و قدرت در ایران*، چاپ اول. ترجمه رضا مقدم کیا. تهران: نشر نی.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم. (۱۳۸۱) *فردادستی و فرودستی در زبان (نابرابری جنسی در ایران)*، چاپ اول. تهران: نشر گام نو.
- تراد گیل، پیتر. (۱۳۷۶) *زبان‌شناسی اجتماعی (درآمدی بر زبان و جامعه)*، چاپ اول. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: نشر آگه.
- جان‌نژاد، محسن. (۱۳۸۰) *تفاوت میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای، زبان و جنسیت*، رساله دکتری. استاد راهنما: علی افخمی اعدا، دانشگاه تهران: تهران.
- دانشور، سیمین. (۱۳۹۸) *سووشون*، چاپ بیست و پنجم. تهران: انتشارات خوارزمی.
- سناپور، حسین. (۱۳۹۵) *نیمه غایب*، چاپ هفدهم. تهران: نشر چشمه.
- سیدجواد، فتنه. (۱۳۸۷) *بامدادخمار*، چاپ چهل و سوم. تهران: نشر البرز.
- فیاض، ابراهیم؛ رهبری، زهره. (۱۳۸۵) «صدای زنانه در ادبیات معاصر ایران». *پژوهش‌های زنان*، زمستان، شماره ۴، دوره ۴، صص ۵۰-۲۳.
- کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۹۱) *گفتمان از سه منظر زبان شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸) *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۳) *مردم‌شناسی جنسیت*، چاپ اول. تهران: نشر افکار.

References

- Akmajin, Andrin; Demers, Richarda; Farmer, NK; Harnish, Robert M. (1375) *Linguistics (introduction to language and communication)*, first edition. Translator: Ali Bahrami. Kermanshah: Taq Bostan Publications. (in Persian)

- Arbab, Sepideh. (Autumn and Winter 2013) "Examination and classification of common Persian idioms in public circulation", *Journal of Comparative Linguistics Research*, No. 4, second year, pp. 107-124. (in Persian)
- Afghani, Ali Mohammad. (2006) *The Lady Ahoo's Husband*, second edition. Tehran: Saadi Printing House. (in Persian)
- Beeman, William A. (1386) *Manzil and power in Iran*, first edition. Translated by Reza Moghadamkia. Tehran: Ney publication. (in Persian)
- Paknahad Jabaruti, Maryam. (1381) *Superiority and inferiority in language (sexual inequality in Iran)*, first edition. Tehran: Gam No Publishing. (in Persian)
- Trad Gill, Peter. (1376) *Sociolinguistics (an introduction to language and society)*, first edition. Translated by Mohammad Tabatabayi. Tehran: Nashar Agah. (in Persian)
- Jannejad, Mohsen. (1380) *The difference between Iranian male and female speakers in conversational interaction*, language and gender, doctoral dissertation. Supervisor: Ali Afkhami Aghda, University of Tehran: Tehran. (in Persian)
- Daneshvar, Simin (2018) *Soushon*, twenty-fifth edition. Tehran: Kharazmi Publications. (in Persian)
- Sanapour, Hossein. (2016) *Nimeh Ghayeb*, 17th edition. Tehran: Cheshme Publishing House. (in Persian)
- Seyedjavadi, Fattane. (1387) *Bamdadakhomar*, 42nd edition. Tehran: Alborz Publishing. (in Persian)
- Fayaz, Ibrahim; Lehresh, Zohra. (2015) "Female voice in contemporary Iranian literature". *Women's Research*, Winter, No. 4, Volume 4, pp. 23-50. (in Persian)
- Kalantari, Abdoul Hossein. (2011) *Discourse from three linguistic, philosophical and sociological perspectives*, Tehran: Sociologists. (in Persian)
- Modaresi, Yahya. (1368) *An introduction to the sociology of language*, first edition. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. (in Persian)
- Narcissus, Emilia. (1383) *Anthropology of Gender*, first edition. Tehran: Afkar Publishing House. (in Persian)
- Fasold Ralph 1990 *The sociolinguistics of language* . Oxford: Basil Black well.
- HILLMAN,MICHAEL,LANGUAGE AND SOCIAL DISTINCTION IN IRAN, IN MODERN IRAN:THE DIALECTICS OF CONTINUITY AND CHANGE,1981.
- Lokaff.R.(1975) *langouge and woman s place*. New York. Harper & Row.

GHAFFAR SAMMAR,R,&ALIBAKHSHI,G(2007).*THE GENDER LINKED DIFFERENCES IN THE USE OF LINGUISTIC STRATEGIES IN FACE-TO-FACE COMMUNICATION LINGUISTICS JOURNAL*,3,59-71.

NEMATI,A,&BAYER,J.(2007)*GENDER DIFFERENCES IN THE USE OF LINGUISTIC FORMS IN THE SPEECH OF MEN AND WOMEN-A COMPARATIVE STUDY OF PERSIAN AND ENGLISH*. GLASSA,(3)1,185-201.